

گزارش



چند درصد از دانشجویان اروپایی کار می‌کنند؟

اداره آمار کمیسیون اتحادیه اروپا (یورواستات) با انتشار گزارشی اعلام کرد ۷۳ درصد دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۵ تا ۲۹ ساله مشغول به تحصیل در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا طی سال میلادی گذشته خارج از بازار کار قرار داشته و تمرکز کامل آنها بر تحصیل و آموزش بوده است.

بر پایه این گزارش، در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، دانش‌آموزان و دانشجویان (۱۵ تا ۲۹ ساله) مشغول به تحصیل در رومانی شاغل بوده‌اند.

در مقابل، تنها دو درصد دانش‌آموزان و دانشجویان (۱۵ تا ۲۹ ساله) مشغول به تحصیل در رومانی شاغل بوده‌اند.

همچنین بالاترین سهم دانش‌آموزان و دانشجویان جویای کار و بیکار در سوئد (۱۴ درصد)، فنلاند (۹ درصد) و هلند (۷ درصد) گزارش شده، در حالی که این نرخ در جمهوری چک، رومانی، مجارستان و کرواسی پایین‌تر از یک درصد بوده است.

گزارش یورواستات همچنین نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۱، سهم زنان شرکت‌کننده در آموزش رسمی ارائه شده در اتحادیه اروپا بیشتر از مردان بوده به‌ویژه در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال، سهم زنان ۵۴ درصد در مقابل ۴۵ درصد برای مردان بوده است. با این حال، در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۷۰ درصد مردان شاغل هستند و تحصیل نمی‌کنند. این نرخ برای زنان ۶۲ درصد است.



حمید رضاعلی‌نیا

روزنامه‌نگار

معولیت

موضوعی

است که

به دلیل

منزوی شدن

غیر ضروری

و طرد شدن

ما معلولان از

مشارکت کامل

در جامعه بر

ما تحمیل

می شود

بنابر این

معولیت هم

پدیده ای

زیستی و هم

اجتماعی است

نرخ بیکاری در انگلیس رکورد زد

دفتر آمار ملی انگلیس اعلام کرد نرخ بیکاری انگلیس در سه ماه منتهی به ژوئیه سال ۲۰۲۲ از ۳.۶ درصد رسید. این رقم ۰.۲ درصد کمتر از دوره سه ماهه قبل و ۰.۴ درصد نیز کمتر از سطوح قبل از همه‌گیری ویروس کروناست و کمترین میزان نرخ بیکاری از سال ۱۹۷۴ محسوب می‌شود. بر اساس این گزارش، نرخ اشتغال انگلیس ۷۵.۴ درصد برآورد شده که ۰.۲ درصد کمتر از دوره سه ماهه قبل است. این در حالی است که در این کشور نرخ عدم فعالیت اقتصادی ۲۱.۷ درصد برآورد شد که ۰.۴ واحد درصد بیشتر از سه ماهه گذشته است. نرخ رشد دستمزد سالانه برای کل دستمزدها ۵.۵ درصد و رشد سالانه دستمزد برای دستمزد عادی ۵.۲ درصد در ماه مه تا جولای سال ۲۰۲۲ بود. همچنین تعداد مشاغل خالی از ژوئن تا اوت سال ۲۰۲۲ یک میلیون و ۲۶۶ هزار بود که ۳۴ هزار کمتر از سه ماهه قبل است. این رقم بزرگترین افت سه ماهه از ژوئن تا اوت سال ۲۰۲۰ است.



در عین داشتن توانایی برای کار از امکان کار محرومند. این عدم فعالیت به ویژه در میان معلولان زن بیشتر از مردان معلول است. این مسأله نشان می‌دهد زنان به دلیل جنسیت و معلولیت خود با ضرر مضاعف در بازار کار روبه‌رو هستند.

این در حالی است که افراد دارای معلولیت دوبرابر بیش از افراد عادی در معرض عدم برخورداری از آموزش پایه هستند. معلولان با چالش‌های آموزشی در مراحل اولیه زندگی خود روبه‌رو می‌شوند و این مسأله تأثیر قابل توجهی بر نتایج بعدی بازار کار آنها دارد؛ زیرا نرخ اشتغال هم برای معلولان و غیرمعلولان با سطح تحصیلات افزایش می‌یابد. بنابراین ضروری است اطمینان حاصل شود افراد دارای معلولیت از دسترسی برابر به آموزش برخوردارند و برنامه‌هایی برای رفع شکاف‌ها در صلاحیت‌ها و مهارت‌های آنها وجود دارد. با این اوصاف بر اساس برآورد سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار، تنها حدود یک سوم از افراد دارای معلولیت که در سن کار هستند، شاغلند که این رقم تقریباً نصف میزان افراد بدون معلولیت است و این شکاف اشتغال میان افراد با و بدون معلولیت با افزایش سن افزایش فرد معلول بیشتر می‌شود. براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، عوامل اصلی که یافتن شغل را برای افراد دارای معلولیت آسان‌تر می‌کند، در دسترس بودن مکان‌های کاری متناسب با معلولیت افراد، تخصیص مشاغل مناسب و هماهنگ با نوع معلولیت و کسب تخصص‌های بالاتر، مهارت‌های افزایش یافته و تجربه کاری بیشتر است. این بدان معناست که افراد دارای معلولیت می‌توانند در صورت حمایت مناسب در زمان مناسب، از جمله فرصت‌های آموزشی کافی امکان اشتغال بهتری داشته باشند.

پس از تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در سال ۲۰۰۶، پیشرفت‌های قابل توجهی در رسیدگی به نابرابری‌ها و برچسب‌های نامناسب که بسیاری از افراد دارای معلولیت تجربه می‌کنند، حاصل شد و در نتیجه مشارکت افراد دارای معلولیت در اشتغال بسیاری از کشورها در سال‌های پیش از همه‌گیری ویروس کرونا روند رو به رشدی داشت. با این حال، با توجه به شواهدی که اکنون در حال آشکار شدن است، در طول بحران همه‌گیری، این پیشرفت متوقف و معکوس شد. از این رو به طور کلی سهم افراد دارای معلولیت در اشتغال از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ کاهش یافت. یکی از دلایل احتمالی این وخامت این است که بیشترین کاهش شغل در بخش‌های خرده‌فروشی و توریسم بود؛ جایی که بسیاری از افراد دارای معلولیت تمایل به کار دارند. همچنین این امکان وجود دارد افراد دارای معلولیت که دارای شرایط بهداشتی خاص و محدودکننده‌ای بودند، تمایلی به ماندن یا بازگشت به مشاغل که آنها را در معرض خطر ابتلا به ویروس کرونا قرار می‌دهد، نداشته باشند.

عرضه متمرکز شوند. موارد اول (تقاضا) شامل قوانین ضد تبعیض، کمپین‌های افزایش آگاهی، سهمیه‌های استخدامی معلولان، یارانه دستمزد و خدماتی برای کارفرمایان است. در زمینه عرضه نیروی کار، معلولان ممکن است از اصلاحات مراقبتی بهداشتی، بهبود و توانبخشی معلولان، تنظیم سطوح و شرایط مزایای ناتوانی، تغییر در آموزش عمومی باهدف بهبود دسترسی آنها به امکانات، برنامه‌های آموزشی و ادغام خدمات را شامل شود. سیاست‌های فعال بازار کار که به جویندگان کار دارای معلولیت ارائه می‌شود ممکن است شامل برنامه‌های اصلی با یا بدون حمایت اضافی برای غلبه بر ناتوانی آنها و برنامه‌های متناسب با نیازهای خاص آنها مانند توانبخشی حرفه‌ای، اشتغال حمایت شده، یارانه هدفمند دستمزد و یا اشتغال تحت پوشش سازمان‌های حمایتی باشد. باید گفت همان‌طور که تجربه برخی کشورهای اروپایی نشان داده سیاست‌های حمایتی از معلولان که به خوبی طراحی شده باشند می‌توانند به طور قابل توجهی ادغام افراد دارای معلولیت در بازار کار را افزایش دهند اما وظیفه اجرای این سیاست‌ها بر عهده دولت‌ها است. بر اساس گزارش کمیسیون اروپا درباره نیروی کار معلولان، سیاست مؤثر حمایت از معلولیت «نیاز به دخالت در تمام مراحل ورود و خروج از بازار کار دارد و در تمام این مراحل، اقداماتی لازم است تا دسترسی به موقع و هدفمند به خدمات توانبخشی با کیفیت بالا را برابری معلولان تضمین کند و در عین حال به افراد نیازمند معلول در غالب نقدی کمک‌هایی صورت گیرد (Office of the European Union, 2016)».

فعالیت نیروی کار معلولان؛ وضعیت فعلی و موانع پیش رو

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت که در دسامبر ۲۰۰۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، «حق افراد دارای معلولیت برای کار، بر مبنای برابر با دیگران» را مورد تأکید قرار می‌دهد و خاطر نشان می‌کند این حق شامل فرصت برای کاری است که آزادانه انتخاب شده و محیط کاری که برای افراد معلول فراگیر و قابل دسترس باشد و امکان امرار معاش آنان را فراهم کند. این کنوانسیون، همه اشکال تبعیض شغلی را ممنوع می‌کند، خواستار محیط‌های کاری سازگار تر است و از کشورهای عضو می‌خواهد دسترسی به آموزش‌های حرفه‌ای و فرصت‌های خوداشتغالی را برای افراد دارای معلولیت ارتقا دهند. در عین حال همچنان آمارها نشان می‌دهند که نرخ مشارکت نیروی کار معلولان بسیار پایین است. در سطح جهان، از هر ۱۰ فرد دارای معلولیت، هفت نفر غیرفعال هستند (یعنی نه شاغل هستند و نه بیکار)، در حالی که از هر ۱۰ فرد دارای معلولیت، چهار نفر بیکار هستند (یعنی

جامعه هستند و ده‌ها هزار نفر از معلولان را از بین بردند؛ اما حتی در آمریکای «ظاهراً دموکراتیک» معیار انسان بودن را با چک‌لیست سلامت افراد می‌سنجیدند. تا سال ۱۹۳۸، ایالت آمریکا قوانین عقیم‌سازی را اجرایی کردند و در میان سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۶۴ بیش از ۶۳ هزار معلول در یک برنامه شبه علمی برای جلوگیری از تولد معلولان بیشتر و صرفه‌جویی در هزینه‌های اجتماعی بر خلاف میل خود عقیم شدند. بدین ترتیب برنامه عقیم‌سازی معلولان در نیمه نخست قرن بیستم در بسیاری از کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا، آلمان، بریتانیا، دانمارک، سوئیس، سوئد و کانادا اجرایی شد.

تلاش برای بازگشت به بازار کار

پس از جنگ جهانی دوم، گسترش دولت رفاه در اکثر کشورهای صنعتی منجر به دوروند متناقض برای افراد ناتوان شد. از یک طرف، ارائه خدمات اجتماعی توسط دولت افزایش یافت و از سوی دیگر نیز تلاش بیشتری برای تنظیم زندگی در یافت‌کنندگان این خدمات صورت گرفت. در واقع دوره بعد از جنگ جهانی دوم، دوره رشد سریع خدمات تأمین اجتماعی در بسیاری از کشورها بود و شهروندان و افراد معلول نیز تحت پوشش این سیستم‌های تأمین اجتماعی قرار گرفتند. با وجود برنامه‌های حمایت اجتماعی مانند کارگاه‌های مجزا و متناسب معلولان که تا حدی با پرداخت کمتر از حداقل دستمزد، کارگران معلول را استثمار می‌کردند هنوز بخش بزرگی از افراد معلول بیرون از نیروی کار قرار می‌گرفتند. به هر حال هرچند از آن زمان تا به حال خدمات به معلولان در مقاطع خاصی دستخوش تغییرات شده اما مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی، بر اساس منطق اقتصادی موجود تنها زمانی استفاده از کارگران «معلول» را منطقی می‌دانند که بتوانند در بخش متغیر هزینه‌های تولید (یعنی دستمزد کارگران) صرفه‌جویی کنند. به عنوان مثال با پرداخت دستمزدی پایین به کارگران معلول یا از طریق معافیت‌های مالیاتی و سایر یارانه‌ها که استفاده از نیروی کار معلول را توجیه‌پذیر می‌کند. با تغییرات عمده بازار کار به‌ویژه در اروپا و آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ و افزایش تقاضای نیروی کار تخصصی، استفاده از نیروی کار معلولان کمتر شد و ضرورت بازار معلولان را بشدت به کمک‌های دولتی یا سیاست‌های حمایتی آن وابسته ساخت. در واقع امروزه سیاست‌های حمایتی دولت‌ها که در پی ادغام نیروی کار معلولان در سیستم اقتصادی هستند بیش از پیش اهمیت یافته است.

سیاست‌های ادغام نیروی کار معلولان

سیاست‌هایی که ادغام افراد دارای معلولیت در بازار کار را ترویج می‌کنند ممکن است بر روی تقاضا یا

فرصت‌های شغلی برای معلولان محدود است

برابر در قانون؛ نابرابر در جامعه

گزارش

تخمین زده می‌شود که ۱۵ درصد از جمعیت جهان دارای نوعی معلولیت هستند؛ یعنی کمی بیش از یک میلیارد معلول در سراسر جهان وجود دارد. اکثر این افراد در سن کار قرار دارند و تقریباً تمامی معلولان شاغل و جویای کار با چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند که افراد عادی آنها را تجربه نمی‌کنند. از آنجا که افراد معلول با بازار کار بسیار کوچتری در مقایسه با جمعیت عادی مواجه‌اند، معلولان به میزان بسیار بیشتری در معرض بیکاری و متعاقب آن فقر قرار دارند. به همین دلیل آنها نیازمند برنامه‌های حمایتی برای جذب در بازار کارند که این برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی بر عهده دولت‌ها؛ به‌ویژه برنامه‌های مبارزه با فقر در کشورهای مختلف است. همان‌طور که کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در سازمان ملل متحد حق کار افراد دارای معلولیت را به شکل برابر با افراد عادی مورد تأکید قرار می‌دهد، تمامی دولت‌های عضو موظف به تسهیل اشتغال و ادغام نیروی کار معلولان در بازار هستند.

معلولیت؛ تعاریف و اختلافات

معلولیت معمولاً به عنوان یک مصیبت شخصی که فرد باید بر آن غلبه کند و یا یک مشکل پزشکی که فرد باید با آن سازگار شود در نظر گرفته می‌شود. با این حال، در سال ۱۹۷۶ اتحادیه ضد تبعیض معلولان جسمی در بریتانیا پیشرفت چشمگیری در تعریف این قشر داشت. آنها اعلام کردند «معلولیت موضوعی است که به دلیل منزوی شدن غیر ضروری و طرد شدن ما معلولان از مشارکت کامل در جامعه بر ما تحمیل می‌شود». از آن پس این تفکر رواج یافت؛ «این جامعه است که افراد دارای معلولیت را از کار می‌اندازد.» به همین علت باید گفت معلولیت با ناتوانی بعدی طبیعی و بعدی اجتماعی دارد و این نیازمند بازنگری در تعاریف رایج از معلولیت است. در تعاریف بولوژیکی یا فیزیکی از معلولیت افراد آسیب‌دیده به شکل «طبیعی» و یا به طور موجهی از «نیروی کار» کنار گذاشته می‌شوند. به عنوان مثال، سازمان بهداشت جهانی، نقص عضو را وضعیت ناشنوایی یا نابینایی و یا داشتن اختلال حرکتی یا اختلالات دیگر در نظر گرفته و آن را به عنوان مشکل جسمانی تعریف می‌کند. همچنین معلولیت به عنوان ناتوانی و محدود شدن عملکرد افراد ناشی از نقص عضو دانسته می‌شود که مانع از ایفای نقش فرد و عملکرد درست وی خواهد شد. این اصطلاح توسط نظریه پردازان مدل اجتماعی ناتوانی مورد انتقاد قرار گرفته، زیرا اساساً بر تعاریف پزشکی تکیه دارد. علاوه بر این، «محیطی» که این بی‌فایده‌گی معلول در آن قرار می‌گیرد را «خنثی» نشان داده و به این طریق موانع حضور و کار معلولان در جامعه طبیعی تلقی خواهد شد.

معلولیت به عنوان پدیده‌ای زیستی – تاریخی

چالش اولیه معلولان (یعنی افسردگی که می‌توانند در محل کار متناسب با نیازهای شان کار کنند) محرومیت آنها از جمعیت کارگران مزدبگیر است. مطالعات نشان می‌دهد افراد معلول نرخ مشارکت نیروی کار کمتر و نرخ بیکاری بالاتری را تجربه می‌کنند. محرومیت تاریخی معلولان از نیروی کار بدون شک به فقر آنها کمک کرده است. منظور از محرومیت تاریخی، شکل خاص استفاده از نیروی کار در سیستم اقتصادی سرمایه‌داری است. برای توضیح بیشتر در نظر بگیرید که در دوران فئودالیته اروپا، افراد ناتوان و دارای معلولیت می‌توانستند به در جات مختلف در اقتصاد مشارکت کنند؛ چرا که فرایند تولید روستایی و کشاورزی که قبل از انقلاب صنعتی غالب بود به بسیاری از افراد معلول اجازه می‌داد تا با انجام بخشی از کار در واحد تولیدی کشاورزی یا کارهای خانه سهمی واقعی در زندگی اقتصادی روزمره داشته باشند. با ظهور سرمایه‌داری، مردم دیگر به زمین وابسته نبودند و مجبور شدند تا در شهرها و کارخانه‌ها کار مزدی انجام دهند. در این میان همان‌طور که تولید با ماشین‌آلات صنعتی انجام می‌گرفت، به نوعی بدن افراد نیز به دلیل توانایی عملکرد آنها با ماشین برای تولیدکننده ارزش و جایگاه ماشین‌ران یافت. نظم و انضباط کار خانه، قواعد تولید و زمان‌بندی، الگوی کاری کنند، خودمختارتر و منعطف‌تری را که بسیاری از افراد ناتوان در آن ادغام شده بودند، از بین برد.

حذف معلولان؛ راهکار جهان دموکراتیک!

با منطقی‌تر شدن کار و نیاز به حرکات مکانیکی دقیق بدن در عصر سرمایه صنعتی که با توالی سریع تر تکرار می‌شد، افراد آسیب‌دیده (ناشنوا یا نابینا، و کسانی که مشکلات حرکتی داشتند)، بدون امکانات متناسب با نقص عضو شان امکان انجام یک شغل را بیش از پیش از دست دادند و به این ترتیب از اشتغال با حقوق محروم شدند. در قرن ۱۹ و در دوران سرمایه‌داری صنعتی، معلولان که با بدن کارگر استاندارد مطابقت نداشتند به شکل بی‌سابقه‌ای از نیروی کار حذف شدند. در نتیجه این موضوع به عنوان یک مشکل اجتماعی در نظر گرفته شد و توجیهی برای جداسازی آنها از جریان اصلی زندگی اجتماعی به وجود آمد و معلولان به نهادهای بیرون از نیروی کار از جمله خانه‌های کار، زندان‌ها، آسایشگاه‌ها، مستعمرات و مدارس ویژه معلولان فرستاده شدند.

در سال ۱۹۲۷ در یک تصمیم تاریخی بدنام، دادگاه عالی ایالات متحده قانونی بودن عقیم‌سازی اجباری افراد معلول را تأیید کرد؛ متعاقباً در آلمان نازی به این نتیجه رسیدند که افراد معلول باری اقتصادی بر دوش